

خدا به آدم گفت که از این درخت نخورد ولی این نخوردن دلیل بر حرمت نمی شود برای همین هم آدم ترک اولی انجام داده است نه این که کار حرامی را انجام داده است.

هنگامی که شیطان خواست آنها را گول بزند به آنها گفت که شما را به یک درخت جاودان و پادشاهی جاودان خبر دهم. این پادشاهی جاودان چیست؟ (اولین چیزی که خداوند خلق کرد نور پیامبر بود و بقیه روایات دارد بخشی از وجود ائمه را توصیف می کند) و خداوند به آدم گفت که به درخت ائمه که جاودانگی و عقل است نزدیک نشو (یعنی نزد اهل بیت نرو) ولی این پادشاهی چیست؟ خدا می فرماید که ما از همه انبیاء پیمان گرفتیم برای برقراری عدالت در جهان یعنی شیطان گفت که آدم مگر خدا از تو پیمان نگرفته که برای مهدویت کار کنی و من تو را به درختی راهنمایی می کنم که این فرمان خدا را بهتر انجام دهی و سریع تر به هدف برسی و خدا برای همین می گوید که ما در آدم عزم را نیافتیم. برای همین هم هبوط اتفاق افتاد و خدا گفت که می خواهی که به اهل بیت برسی باید بروی و عزم داشته باشی.

آدم نشان داد که فهم او از ملائکه بالاتر است و شایستگی خلافت را دارد و اسماء را به ملائکه یاد داد و خداوند به ملائکه فرمود که به آدم سجده کنید (بعد از این ماجرا خدا به خاطر ترک اولی ملائکه به آنها گفت که هفت هزار سال باید دور بیت المعمور بگردند و آدم هم در همان جا دور کعبه می چرخد ولی هفت دور ما می چرخیم ولی ملائکه هفت هزار دور). همه جز ابلیس سجده کردند. خدا به او می گوید که چرا سجده نکردی آیا استکبار کردی و آیا تو از عالین بودی. دو گروه از سجده بر آدم معاف شدند که گروه اول مغرور ها بودند که اخراج شدند و گروه دوم عالین بودند که طبق روایات این عالین اهل بیت بودند و خدا گفت که تو که از اهل بیت نبودی پس از استکبار کنندگان بودی.

حضرت آدم فرزندان داشت به نام هابیل و قابیل که تورات درباره دعوی آنها می گوید که وقتی که این ها به دنیا آمدند اینها دوقلو دقلو بودند (خدا گفت که این بار فعل حرام اشکال ندارد) و قرار شد که هرکس با قل مقابل ازدواج کند ولی قابیل دبه کرد و گفت که قل من زیبا تر است و آدم هر کاری کرد نشد و هابیل گفت که من تسلیم خدا هستم و قابیل گفت که نه. قرار شد که یک هدیه فردا به خدا بدهند و هر کدام قبول شد حرف او را قبول می کنیم هابیل گوسفندی را که خوب بود می برد ولی قابیل یک مقدار گندم داغون و بعد دعوا و قتل هابیل. داستان در قرآن از این قرار است که دعوا سر این بوده که کدام جانشین حضرت آدم شود نه اینکه سر دختر بوده باشد ولی نسل چگونه ادامه پیدا کرد؟ برخی می گویند که این بار اشکال نداشت ولی برخی می گویند که خداوند ملائکه را فرستاد و نسل اول از اینها به وجود آمد و برخی هم می گویند که قبل آدم انسان

هایی وجود داشته که با آن ازدواج کردند. حال هرکدام می خواهد درست باشد. پس نفس اختلاف برای ما مهم است و در داستان یوسف هم همین طور است که اختلاف سر جانشینی است.

شیطان از جنیان است که خلقت آنها قبل از آدم است و اختیار دارند و با ما زندگی می کنند و جسم لطیفی دارند ولی محدودیت هایی دارند و گروه گروه هستند و دارای دوستانه عقده‌تی هستند و یا کافر هستند و یا شیعه هستند که اکثر آنها کافر هستند و عمر های طولانی دارند. مکانی که در آن زندگی می کنند عالم هوا نام دارد که برخی می گویند که همین دنیا است ولی در نقاط دور افتاده تر از جایی که مردم زندگی می کنند. (توصیه آقای فاطمی نیا این است که تنها نباشی و اگر تنها بودی ذکر بگو و قرآن بخوان و هنگامی که بدنت عریان است صلوات بفرست) برخی دیگر می گویند که آنها بین زمین و آسمان هستند. جنیان سرکشی کردند و ملائکه آمدند و آنها را قلع و قم کردند ولی برخی از آنها را بالا آوردند که احتمالا افراد خوب جنیان بودند و ابلیس آنقدر بالا می رود که می شود خزانه دار آسمان چهارم.

وقتی که شیطان سجده نمی کند خدا به شیطان می گوید که باید نابود شوی ولی شیطان مهلت می خواهد خدا می گوید تا کی مهلت می خواهی و او می گوید که تا یوم الیبعثون و خدا می گوید که تا یوم المعلوم که روز ظهور است به او وقت داد و چیزی که مهم است این است که حیات شیطان به مهدویت گره خورد. از اینجا دو جریان شکل می گیرد:

- جریان حق که جلوی آن انبیاء و اولیاء هستند که حزب الله هستند و اصالت دارند.
- جریان باطل که جلوی آن شیطان است و اصالت ندارد و هرگاه که موفق شود عمر شیطان تمام نشده

ویژگی شیطان که خدا به او داد:

- می توانی که از چهار جهت به آدم نفوذ کنی
- تو آدم ها را می بینی و آنها تو را نمی بینند
- به ازای هر آدم که خلق شود دو شیطان خلق می شود
- آدم هم از خدا چند چیز می خواهد که بتواند مقاومت کند:
- خدا به او عقل را عطا می کند تا درست و غلط را بفهمد
- توبه را برای انسان می گذارد
- دو جهت را برای خودم گذاشتم بالا و پایین
- در قلب مؤمن فقط خودم هستم

شیطان در طول تاریخ خیلی در صحنه نیامده اول در جریان آدم که او را فریب داد و بعد در جریان هابیل و قابیل که بعد از قتل که قابیل می فهمد چگونه دفن کند شیطان یک مجسمه کلاغ می سازد که نشان خدا باشد و بت پرستی را راه می اندازد.

قدرت جنیان در چه حد است:

- قدرت انسان مؤمن از جنیان بیشتر است داستان تخت بلقیس
- تا زمان حضرت عیسی جنیان تا عالم چهارم می رفتند و اخبار را می گرفتند و زود تر می فهمیدند
- از زمان پیامبر دیگر نمی توانند که بالا بروند ... شهاب ثاقب
- به دلیل تجربه می توانند گاهی بهتر از ما قضاوت کنند